

## سه کاف شماره ۱۹

### ۱- این رژیم و این اپوزیسیون

- مردم ایران هیچوقت تا این اندازه، درباره اهمیت عوض شدن یک رژیم حاکم، آگاه نبوده‌اند.  
- هیچ رژیمی در تاریخ اخیر ایران اینهمه سرکوب و کشت و کشتار نکرده.  
- مردم ایران هیچوقت اینهمه باسواد و تحصیلکرده نبوده‌اند.  
- هیچ رژیمی در ایران اینهمه مخالف نداشته است  
- ما ایرانیان هیچوقت تا این اندازه به اهمیت دموکراسی آگاه نبوده‌ایم.  
- همینطور هیچ رژیمی در ایران اینهمه گروه متشکل مخالف هم نداشته است.  
اما چرا چیزی عوض نمی‌شود؟ چرا رژیم همینطور میگیرد و میزند و می‌کشد و آب از آب تکان نمی‌خورد؟  
چرا تشنگی ما به دموکراسی و حقوق بشر و آزادی سیراب نمی‌شود؟  
چرا ما همچنان در چنبره‌ها گرفتاریم؟  
بخشی از دلایل به شدت و حدت سرکوب رژیم بر می‌گردد اما قسمت بزرگی از علت این اوضاع برعهده گروهائی است که خود را بنام اپوزیسیون معرفی میکنند.  
تا دلتان بخواهد، ما گروه داریم: ملی، ملی مذهبی، مذهبی، سوسیالیست، مجاهد، سلطنت طلب، کمونیست، مشروطه‌خواه، دمکرات و هزار زهر مار دیگر.  
اما هرکدام از اینها، درست مثل جمهوری اسلامی، به مردم ایران مثل موش آزمایشگاهی نگاه میکنند و میخواهند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند تا خود، مردم را در چارچوب ایدئولوژی و افکار گروهی خود، بزور جا بدهند!!!!!! و اگر نشد، سرکوب .  
هر کدام از اینها، اوضاع و روحیه امروزی مردم و شرایط کشور و اوضاع بین‌المللی را بر اساس اندیشه و ایدئولوژی خود که صدها و هزاران سال از آن میگذرد، تحلیل کرده و چون طبیعتاً همخوانی در این دو دیده نمی‌شود، پس نتیجه میگیرند که شرایط درست نیست، مردم آماده نیستند و دهها دلیل دیگر، ولی هیچوقت نمی‌گویند که ممکن است اشکال کار از تفکر و بینش کهنه خودشان باشد. همه، مردم و کشور را برای فکر و ایدئولوژی خود میخواهند نه ایدئولوژی و مذهب و بینش را برای مردم، و این گره اصلی است. راستش اینکه رژیم جمهوری اسلامی لیاقت اپوزیسیونی بهتر از این هم ندارد.  
نگاهی به کشورهایی که حال و روزگارشان بسیار بهتر از ماهاست و به دموکراسی و حقوق بشر رسیده‌اند، نشان میدهد که هر وقت حقوق مردم کشورشان پایمال شده و یا از خارج تهدید شده‌اند، همه چپ و راست و میانه دور هم جمع شده و ائتلاف کرده‌اند. به این میگویند سیاست و به اینگونه افراد میگویند سیاسی. اما مسئولان گروههای ایرانی سیاسی نیستند، یک مشت نیمه روشنفکر جهان سومی‌اند که منتظر میمانند تا سر بزنگاه، سیاسیون کشورهای دیگر توی سرشان بزنند و بزور آنها را بهم بچسبانند. نمونه افغانستان و اپوزیسیون عراق، اما خودشان بخاری از شان بلند نمی‌شود.  
گروههای ایرانی، یکی جمهوری دمکراتیک اسلامی میخواهد، دیگری حکومت سوسیالیستی، یکی حکومت سلطنتی، یکی رژیم کمونیستی و الا آخر. حالا روحیه مردم چیست، اقتصاد ما در چه وضعی است و..... کاری به این ندارند، نر باشد، ولی باید آن را دوشید!!!!!! اعتماد نکردن به چنین گروههایی کمترین مجازات است. بخصوص که تو اینهمه سال نتوانسته‌اند سر حداقل چیزها با هم توافق کنند.  
اگر ما امروز بتوانیم یک حکومتی داشته باشیم که آزادیهای فردی و اجتماعی را در چهارچوب همان اعلامیه

جهانی حقوق بشر رعایت کند، انتخابات دوره‌ای و آزاد برگزار کند و انواع مقامهای انتصابی را بردارد، قربون صدقه‌اش هم میرویم. به اینها که رسیدیم، بعدش می‌آییم برای سرو سامان دادن به اقتصاد کشور، به هر گروهی که خواستیم رای میدهیم. باور کنید، مسئله به همین سادگی است و دور هم جمع شدن گروه‌ها حول همین مسئله سخت نیست اما برای اینکار باید سیاسی بود و براستی اپوزیسیون.

## ۲- موسیقی شهوت

### از س. ر

آفتاب گرم تابستان، کلافه‌ام کرده بود، مثل هر روز منتظر اتوبوس ایستاده بودم تا مرا به دانشگاه برساند.

سوار شدم، کسی نبود، جز تنها پیرمردی که رانندگی میکرد. حتی نگاهم هم نکرد. بلیط را دادم و در صندلی وسط نشستم.

ایستگاه دهم بود که اتوبوس پر شد، حتی چند نفر از میله‌ها آویزان بودند. پیر زنی سوار شد. بلند شدم و او جایم نشست، بدون تشکر.

ایستگاه بعدی کسی میخواست پیاده شود، با اینکه به درب جلو نزدیکتر بود، مسیر خود را دراز کرد تا از کنار من بگذرد. مقصودش را فهمیدم، کمی خود را کنار کشیدم، اما نه زیاد. تمام تنم را حس کرد. نوک تیز سینه‌ها، برجستگی لای پاهایم و گوشت گرم رانهایم را به او مالیدم. برای لحظه‌ای توقف کرد. چشم در چشم هم دوختم و برق هوس را در چشمانم هم خواندیم.

### چشمهایم را بستم:

هر دو دستم را به میله‌ها گرفته بودم و بدنم مانند ماری کش آمده بود. دست در کمرم انداخت و خود را هر بیشتر به من فشار داد. شروع کرد به لیسیدن گردنم. سگک کمرپندش را باز کردم و شلوار جین را پائین کشیدم. دستم را از روی شرت به آلتش رساندم که برجسته شده بود، و شروع کردم به مالیدن؛ چه گرم بود. دکمه‌های پیراهنم را باز کرد. تیزی نوک پستانها را زیر زبانش حس کردم. سپس تمام سینه سمت راست را به درون حلقش کشید، طوری که چیزی شبیه یک نخ حسی از درون آلتم تا نوک پستانها کشیده شد. لخت لخت شدم. با اولین تماس آلتها، تمام وجودم به لرزه درآمد و سراسر پشتم به مور مور افتاد. بدنم را تا سرحد ممکن به پشت کشیده بودم و کمانی از دایره روی صندلی اتوبوس ساخته بودم، کسی از پشت باسنم را لیس می‌زد. و کم کم چیز نرم و نازکی را در دریچه پشت حس کردم که انگشت پسری ۱۸ ساله بود.

تمام اتوبوس به جنبش افتاده بود و صدای شهوت، موسیقی زیبایی ساخته بود. گیسوان پریشانی بین پاهای راننده نظرم را جلب کرد. پسرک پشتی برهنه شده و دراز کشیده بود، آلتش را زیر من علم کرد، روی آن نشستم، حالا دو عضو نرینه در وجودم بودند. به پشت دراز کشیدم و مردی دیگر چیزی در دهانم گذاشت، شروع به خوردنش کردم، مانند یک طفلی که پستانکی میخورد. زنی از پشت، انگشت در باسن همان مرد کرده بود و باعث درازتر شدن آلتش میشد.

### چشم گشودم:

مردی از پشت پیاده شد و چشمکی به من زد.

## ۳- عشق به نیلو

نیلو دوست دختر منه. من و نیلو خیلی به هم علاقه داریم. آروز از اون روزای باحال بود؛ خونه نیلو اینا خالی بود، مامان بابای نیلو رفته بودن ختم.

نیلو به من زنگ زد و گفت که خونمون خالیه، بیا پیش من. من هم از خدا خواسته رفتم. دم در خونشون رسیده بودم که دیدم داره از پنجره منو نگاه میکنه. زنگ زدم و وارد خونه شدم. وقتی دیدمش، بغلش کردم و بعد از سلام و احوالپرسی، منو به یک قهوه دعوت کرد. بعدش به اینترنت رفتیم. آخه من و نیلو تو چات با هم آشنا شدیم. من به یک سایت سکس رفتم تا اونو حشری کنم، بعد از دیدن چندتا عکس باحال، دیدم دستش رو شلوار منه. من هم خدا خواسته، دستم رو بردم رو سینه‌هاش. بعد گفت بریم تو اتاقش. من هم خیلی خوشحال بودم و تو پوست خودم نمی‌گنجیدم. وقتی هیکل خوشگلشو دیدم، دیگه نتونستم خودمو نگه دارم، شروع کردم به لیسیدنش؛ از بالا به پائین، از پائین به بالا. دلم نمی‌اومد که کیرم رو ساک بزنه، ولی خودش اصرار میکرد. سینه‌هاش مثل سنگ سفت شده بودن. داشت ساک میزد که گفتم از پشت بخواب، خوابید، من هم یک کاندوم که داشتم، روی کیرم سوار کردم و کردم تو کونش؛ انگار به یک دنیای دیگه وارد شده باشی، آنقدر حال داده بود که دوست نداشتم بیرون بیارم. اونم از خدا خواسته. بعد وقتی آبم میخواست بیاید، سریع کشیدم بیرون، بعد شروع کردم به خوردن کس‌اش؛ خیلی آبدار بود، مثل آب‌نبات بود که یک دفعه دیدم داره گریه میکنه. گفتم چرا گریه میکنی؟ گفتش آخه خیلی بهام حال میدی، قربونت برم. من هم خیلی احساس غرور بهام دست داده بود که انگار کوه‌کنده باشم. خلاصه آروز یکی از بهترین روزهام بود. بعد از حال کردن و حمام رفتن و صرف نهار، من از نیلو جدا شدم. آلاں هم با نیلو هستم و دوست دارم که با اون ازدواج کنم چون نیلو را خیلی دوست دارم.

#### ۴- چایی با طعم حنا

بعد از چند سالی در خارج از کشور بودن، جهت انجام کارهای عقب افتاده به ایران آمده بودم. تمام وسایلم را گمرک گرفته بود و از این بابت بسیار ناراحت بودم. بعد از ظهر یک روز جمعه بود. من بعد از قدری پیاده روی تازه به پارک دانشجو رسیده بودم. رفتم یک لیوان چایی خریدم و یک نیمکت خالی پیدا کرده و مشغول مطالعه روزنامه‌ام شدم. مدتی بعد یک خانمی که ۳۰ ساله به نظر می‌آمد، پهلویم نشست و بعد از چند دقیقه سر صحبت را با من باز کرد. گفت چائیشان خوب نیست، طعم حنا میدهد. من گفت شاید بخاطر لیوان پلاستیکی باشد، ضمنا من تابحال حنا نخورده‌ام و نمیدانم طعمش چگونه است. خندید و پرسید کجا زندگی میکنی؟ گفتم شهرستان زندگی میکنم و تهران در در هتل هستم. گفت من اصفهانی هستم و برای معالجه آلرژی‌ام به تهران آمده‌ام. مستاجر ما در اصفهان همین نزدیکیها خانه دارد و کلید خانه‌اش را به من داده تا مدتی را که در تهران هستم، در خانه‌اش بمانم. بعد ادامه داد؛ پاشو بریم خانه تا برایت چایی درست کنم، این چاییها طعم حنا میدهند. سپس گفت اینجا مامور زیاد است پشت سر من با قدری فاصله بیا که کسی متوجه نشود. خلاصه پا شدم و دنبالش راه افتادم. پشت پارک وارد یک بنای شش طبقه شد، من هم وارد شدم. در آپارتمانی را باز کرد و وارد شدیم. منزل لوکس و خوبی بود. در اتاق پذیرایی تلویزیون را روشن کرد و رفت آشپزخانه. تلویزیون داشت صحنه‌هایی از کشتار جمعی در بوسنی و هرزگوین را نشان میداد. بچه‌هایی که اجسادشان در کوچه و خیابانها ولو بود و دل هر کسی را بدرد می‌آورد. در همین اثنا که از ی‌ساهده تلویزیون، کلی حال گرفته بود، با سینی چایی آمد و گفت امروز خیلی خسته هستم و دوباره روفت و بعد از چند لحظه یک تشک کوچک آورد، انداخت روی زمین و رویش دراز کشید و گفت: بلدی ماساژ بدی؟ گفتم آره. همانطور که روی مبل نشسته بودم

شروع کردم به کف پایم ( که احتمالاً بو هم میداد) پشتش را مالاندم و همزمان چشمم به صحنه‌های غم‌انگیز تلویزیون بود. ناگهان متوجه شد و گفت تو چقدر خری و مرا از روی مبل پائین کشید و دست توی شلوارم کرد و وقتی دید من هنوز شق نکرده‌ام، بیشتر عصبانی شد و آنموقع بود که من متوجه شدم که چایی بهانه بوده. بهر حال از ش معذرت خواستم. پا شد دستم را گرفت و مرا به اتاق خواب برد. آرام آرام شروع کرد به کندن لباسهایش. من با دیدن این صحنه ضربان قلبم شدت گرفت و شروع کردم به کندن لباسهای خودم. آمد نزدیکتر، گفت بدنم بو میدهد. گفتم بیخشید. مرا برد حمام و با هم دوش گرفتیم. حین شستشو هی دستش را ( عمداً) به کیر من می‌زد و من داشتم منفجر میشدم و عجله داشتم که هرچه سریعتر به اتاق برگردم. بمحض آنکه وارد شدیم مرا روی تخت انداخت؛ مثل بچه‌هایی که سالهاست بستنی نخورده‌اند شروع کرد به لیس زدن کیر من. انصافاً من لیسک‌خور با این همه مهارت ندیده بودم. نفسم به شماره افتاده بود. تا اینکه ناگهان همانجا توی دهانش خالی کردم. به دستشویی رفت و آمب را از دهانش توی توالت خالی کرد، بعد برگشت و گفت مادر..... چرا تو دهنم ریختی؟ گفتم ظاهراً که بدت نیومده! جوابی نداد، رفت و و قدری میوه آورد و دوباره شروع کرد به ور روفتن با من. من هم دو سالی میشد به زن ایرانی دست نزده بودم، سریع کیرم مجدداً شق شد و خوشبختانه شرمنده نشدم. رفت یک کاندوم از کیفش آورد و روی کیرم سوار کرد و بعد نشست روش و تلمب زد. چند دقیقه بعد گفت تو بیا بالا. من رفتم بالا، گفت اول باید کاندوم تازه بذاری. کاندوم را عوض کردم. چه کوس تمیز و خوشرنگ و برجسته‌ای داشت. خواستم کیرم را بذارم تو کوس‌اش، اما گفت اونجا نه، بذار پائین. کون تنگی داشت ( کون موشی) با زحمت کیرم را کردم تو کونش؛ چون خشک بود بزحمت میشد تلمبه زد. خودش خبره بود؛ با آب دهانش کونش را مرطوب کرد و من شروع کردم به رفت و آمد. زمان زیادی لازم نبود تا اینکه احساس کنم که دیگه دارم تمام میکنم، کشیدمش بیرون، کاپوت را هم از کیرم جدا کردم و پاشیدم رو کپلش. باز عصبانی شد که تو چقدر بی‌کلاسی! رفت خودشو شست و بمن گفت سریع برو که دختر صاحبخانه که شبها پیش من می‌خوابد، می‌آید اینجا. با عجله آمدم و زدم بیرون. فردا بعد از ظهر در همان پارک دانشجو و روی همان نیمکت نشسته بودم که دوباره آمد و گفت میخواهی بریم خونه چایی بخوریم؟ گفتم نه خیلی ممنون. با ناراحتی پا شد و رفت.

## ۵-مطب تزریقات

دو هفته از شروع کار پاره وقت من به عنوان تزریقاتی تو این مطب می‌گذشت. دانشجوی هوشبری بودم و برای کمک خرجی‌ام آنجا کار میکردم. منشی مطب یک خانم سی ساله بود که به علت مشکل باردار شدن، طلاق‌اش داده بودند. ( این مطلب رو چند بار توی تلفن به این و اون گفته بود اما آن شب فهمیدم که در واقع داره به من میگه). معمولاً قبل از من و بعد از دکتر مطب رو ترک میکرد، جز وقتهایی که باید پرونده‌ها رو مرتب میکرد. آنشب، وقتی دکتر رفت، صدای قفل شدن در رو شنیدم اما توجه نکردم، چون یک بار دیگه هم دکتر در را روی من قفل کرده بود و من به گنجی‌های دکتر عادت کرده بودم. داشتم وسایلم را مرتب میکردم که برم. صدای نوشین ( خانم منشی) رو شنیدم که میگفت: ای وای امیر!!! (من!) این آمپول ویتامین از اون ریض ریزه میزه جا مونده. خواستم بگم مهم نیس، که در حال آمدن به سمت من، اضافه کرد: شنیدم آمپول ویتامین برا آدمای سالم هم بد نیس، درس می‌گن؟

همانطور که مشغول کارم بدوم، یک بله گفتم و به کارم ادامه دادم.

حالا کاملا به تخت تزریق نزدیک شده بود. بین من و تخت ایستاد. مثل مواقع قبلی که هنگام خالی بودن مطب، مقنعه‌اش را در می‌آورد، اینبار هم مقنعه را در آورد و موهای کوتاهش را نمایش داد. آمپول را به دست من داد و پرسید: میشه اینو به من بزینید؟ به ویتامینش نیاز دارم!!! کلمه نیاز رو با چنان نازی گفت که من یه جوری شدم.

قبل از اینکه جوابی بدم، سریع رفت و با شکم رو تخت دراز کشید و یک طرف دامنش رو کامل زد بالا؛ واییییییی چی میدیدم؛ زیر دامنه‌چی نداشت. نه شلوار نه شرت. یک کپل برجسته و سفید مثل یه تیکه مرمر. حتی میشد شکاف بین دوتا کپل هاش رو هم دید.

دستش رو گذاشت وسط کپلش و باز با ناز پرسید همینجا میزنی؟؟

من آب دهنم خشک شده بود و نفسم بالا نمی‌اومد. جوابی ندادم.

اون هم که وضع منو فهمید سریع اما راحت خودشو جمع کرد، باسنش رو بالا داد و دامنش رو هم کامل کشید رو کمرش؛ جوری که من نه تنها کپله‌ها، که اون سوراخ تنگ کون و از اون مهمتر کس خوشگلش رو هم از پشت سر میدیدم. هنوز گیج گیج بودم که دستش رو با لوندی تمام رو کپلاش کشید و درحالی که با انگشت، اول به سوراخ کون و بعد هم به کس‌اش نوازشی داد، گفت: هر جا که دوس داری بزنی آقای دکتر. و با چه عشوه‌ای هم گفت. من کم کم حواسم سر جاش آمده بود و داشتم سبک سنگین میکردم که از کجا شروع کنم که باز اون جلو افتاد. دستش رو دراز کرد و از رو شلوار کیرم راسفت گرفت تو دستش و گفت: نکنه آمپولت آماده نیس، دکتر جان!

به همون سرعتی که کیرم تو دستش رشد میکرد، بهش نزدیک شدم، یه دستم رو رو دستش گذاشتم و اون یکی رو رو کپلش. بهش گفتم: آماده میشه، نوشینم! اما قبلش باید معاینه کنم، عزیزم.

با رضایت تمام لبخند زد و گفت باشه آقای دکتر، هر کاری صلاحه، هر جا دوس داری بکن.

حالا هر دوتا دستام رو باسنش بودن و داشتم هر طرف رو با یه دست میمالیدم. چقدر سفت و وسوسه‌کننده بود. انگشتام رو فرستادم لای درزش، از سمت سوراخ کون به پائین. یکی از انگشتامو کمی تو سوراخ کونش کردم، بعد رفتم پائین‌تر. همزمان باسنش رو دادم بالاتر و پاهاش رو از هم باز کردم تا کس نازش رو کامل ببینم. با این کارم لپای تپل کس‌اش کمی کنار رفتند و گل صورتی خیسش کاملا عیان شد. با دقت تمام، موهاشو زده بود، صاف صاف. کس‌اش عطر خیلی تند و با حالی داشت؛ کاملا حسش میکردم. سرم رو بردم پائین. رو زمین زانو زدم، سرم رو گذاشتم رو کپلش و شروع به بوسیدن و بوئیدن هردو کردم. اول ایز و کند، بعد گنده‌تر و سریعتر و آخرش هم چندتا گاز خفیف از کپلای سنگینش گرفتم، و چه حالی داد این گاز. جوووووووون، چه باحال بود.

حالا هر کدوم از کپل‌هاش رو تو یک دستم گرفته بودم. انگشتام دورشان کاملا پنجه شده بود. همونطور که می‌مالیدمشون، آروم آروم اونا رو از هم باز کردم تا به راحتی برم به سمت درز بینشون.

لبم رو رسوندم به پائین ستون فقراتش و از اوجنا شروع به بوسیدن کردم. با بوسه‌های مکرر اومدم پائین. هر چه به کس‌اش نزدیکتر میشدم، عطرش دستپاچه‌ترم میکرد. وقتی لبام اولین گرمای و نم کس‌اش رو حس کرد، یه لحظه منجمد شدم.

کاملا خیس شده بود، معلوم بود، منتظر بوده، ناله‌هاش پر از خواستن بود. حالا من لبام رو کامل تو کس داغش فرو کرده بودم. اونم با ناله میگفت: بخور عزیزم- بخور- کسم مال تو- همش مال تو- این کس فقط تو



دارد. برگشتم به تخت تزریقات که نوشین همچنان در لذت ناتمامش میساخت. پاهاش را کاملاً باز کردم، و گذاشتم رو شونه‌هام. رو زانو ایستادم و بی‌معطلی کیرم رو گذاشتم رو چوچولش، با دستم فشارش دادم و هلش دادم پائین. به در بهشتی‌اش که رسید، اونقدر خیس بود که اصلاً نفهمیدم کی تا ته فرو رفت. هر دو با هم و از ته دل یک "به به" گفتیم. هر بار که فرو میکردم، فقط از داغی شدیدش میفهمیدم که چقدر تو کس‌اش فرو رفته. بعد از چند دقیقه که سرعت پمپ کردن رو بالا بردم، دوباره ناله‌هاش جیغ شدن، موقع ارگاسم ایندفعه، چنان عضله‌های کسش سفت شدن که انگار یکی داشت گردن کیرم رو با دو دست فشار میداد و میخواست خفه‌اش کند. از این همه داغی کس، و فشار آن به کیرم، آبم داشت می‌آمد، اما من هنوز کار داشتم، این همه شهوت که جلوم موج میزد، نباید به این زودی آروم بگیره. ناگهان چشمم افتاد به اسپری لیدوکائین که برای بیحسی موضعی واسه تزریق کنار تخت بود. سریع جستی جدم و ورش داشتم. کیرم که حالا مثل یک تکه چوب شده بود، رو از کس‌اش بیرون آوردم. دادش درآمد. کاندوم را در آوردم، سریع رو کله و دور گردن کیرم اسپری زدم. سردی‌اش کیرم رو خشک‌تر کرد. چند لحظه مکث کردم تا اثر کند. اما کیرم همچنان شق بود. یک کاندوم تازه به کیرم زدم و رفتم سارغش. پاهایش را هوا کردم ب بی معطلی با شدت کیرم را تا ته توی کس گرمش فرو کردم. ناله‌اش شروع شد. میخواست جیغ بزند، امانش ندادم و شروع کردم به مکیدن لباس و بعد زبونم رو تو دهنش کردم که مک بزند. ده دقیقه‌ای به همین حالت پمپ کردم و بای سومین بار ارگاسم شد. اما کیرم من حالا حالاها کار داشت. اما یک خستگی تو تنم حس میکردم. بلندش کردم و خودم رو تخت دراز کشیدم و اون هم سریع نشست رو کیرم و شروع کرد بالا پائین پریدن. تازه این موقع بود که یادش آمد هنوز کامل لخت نشده. همزمان با بالا-پائین رفتنش، لباسس را هم کند و لخت لخت شد. سینه‌هاش به نسبت خیلی کوچولو بودن اما شق و رق و شهوتناک. هر بار که رو کیرم می‌پرید، دوتا لیموهاش هم بالا و پائین میرفتن. من هم خم سدم جلو و اونا رو تو دستام گرفتم. بعد از این چند حالت دیگه رو هم امتحان کردیم. چند دقیقه‌ای چهار دست و پا شد و من از پشت تو کس‌اش فرو کردم. بعد اومد لبه تخت نشست. ایستادم کنار تخت، پاهاشو گذاشتم رو شونه‌هام و تلبه‌اش زدم. آخر سر در همون حال که رو لبه تخت میکردمش، دستم رو بردم پشتش، بغلش کردم و ورش داشتم. تمام وزن بدنش روی کیرم بود. تا این لحظه اینقدر عرق نکرده بودم. سر رو بغل کرده بود - سینه‌هاش رو به صورتم فشار میداد و جیغ میزد. همانطور که رر کیرم بالا پائینش میکردم، بردمش به سمت مبل راحتی که کنار دیوار بود. گذاشتمش اون رو، اما باسنش بیرون بود و پاهاش بالا. شروع کردم با بیشترین سرعت و فشار ممکن، کیرم رو به ته تهای کس‌اش زدن. حالا جیغ من هم در آمده بود. فهمیدم که آخرای کار من باید باشه، اونهم هی همکاری میکرد. بدن جفتمون خیس عرق شده بود. ساق پاهام داشت شل میشد، بدنم شروع کرد به لرزیدن، اه‌های بلند میکشیدم و اونهم با پنجه‌هاش باسنم رو گرفته بود و به سمت خودش میکشید. دیگه وقتش رسیده بود. وقتی برای آخرین بار کله کیرم را به دیوار ته کس‌اش زدم، همزمان با آمدن آب من، او هم دوباره ارگاسمی شد، و جیغ ما دوتا تقریباً به فریادی بلند تبدیل شد. به سرعت از حال رفتم. ولو شدم تو ندنش. سرم رو گذاشتم لای سینه‌اش و چشم رو بستم. حاضر نبودیم حتی یک میلی‌متر از بدن هامون از هم سوا باشه؛ تا جایی که جا داشت، پیچیدیم تو بغل هم. شاید یک ربع یا بیشتر تو این حالت ماندیم. بعد کیرم رو یواش از کس‌اش کشیدم بیرون. کاندوم پر از آب

کیرم شده بود. به دستشوئی رفتم و کاندوم را انداختم اون تو. بعدش با هم به حمام رفتیم و دوش گرفتیم. فردا جمعه بود و تعطیل. شام با هم به یک رستوران شیک رفتیم و اون هم فردایش مرا به یک صبحانه توی تخت دعوت کرد. پذیرفتم و تا عصر شنبه که با هم به مطب آمدیم، با هم کلی راجع به سیاست جهانی، مسئله آمریکا در افغانستان، فرضیه نسبیت انشتین، موج نو سینمای فرانسه و کلی چیزهای دیگر بحث و گفتمان کردیم.

## ۶- سکس تلفنی توی گپ- خونه

از س. ر.

۶- : سلام.

۹- : سلام.

۶- : A / S / I Please.

۹- : U first.

۶- : حالا بی خیال، اهل سکس چات هستی؟

۹- : آره، وب کام داری؟

۶- : نه، تو چی؟

۹- : من هم ندارم، تل بده ، زنگ میزنم.

۶- : او کی، یادداشت کن: xxxxxxx

۹- : قطع کن، الان زنگ میزنم.

۶- : باشه، فعلا بای.

۹- : بای.

۶- : الو.

۹- : الو، سلام، خوبی؟

۶- : سلام، تنهایی تو خونه؟

۹- : آره، تو چی؟

۶- : من هم تنهام، چی پوشیدی الان؟

۹- : یک تاپ با شلوارک.

۶- : من فقط یک شرت پامه.

۹- : الان کجایی؟

۶- : تو تخت خوابیدم، لباساتو در آر.

۹- : باشه، یه دقیقه صبر کن.

۶- : سایز ممهات چیه؟

۹- : ۷۵. ب.

۶- : چه خوبه، دوس داری نوکشو مک بزنی؟

۹- : بیا بخورش.





- ۹-:- بکن! بکن! بکن!  
 ۶-:- آخ، داره آبم میاد،.....  
 ۹- بریز تو کونم، خالیش کن.  
 ۶-:- یه لحظه گوشه گوسی.....  
 ۹-:- بیییییییا، بیییییییا،.....  
 ۶-:- من آبم اومد، تو چی؟  
 ۹-:- من هم شدم، مرسی از اینکه منو گائیدی.  
 ۶-:- من هم، مرسی.  
 ۹- بای.  
 ۶-:- صب کن، الو، الو،.....

## ۷-تا کی میخواهید به این رسوم غلط در ازدواج تن دهید؟

( گرفته شده از "سرزمین رویایی")

امروز میخوام از یک واقعیت حرف بزنم. میخوام از شکستن یک رسم غلط حرف بزنم. می دانم که با این حرف من، شدیداً به سمت من آتش خواهید گشود. ولی امروز لازم است رسمی شروع به نابودی بکنند تا شما در زندگیتان کاملتر شوید...حتی اگر مرا مورد انتقاد شدید قرار بدهید....

میخوام از رسم غلط خواستگاری حرف بزنم....

خانمهای عزیز..... چه کسی به شما گفته که باید منتظر خواستگار بشینین؟ برای چی از ابراز علاقه میترسید؟ چرا فکر میکنید با ابراز علاقه برای پیوند سبک میشوید؟؟ اگر پسری اینقدر احمق باشد که ابراز تمایل شما را برای پیوند نشانه ناپاکی شما بداند همان بهتر که شما سریعاً طرف را اینگونه بشناسید و دور بیندازید..... چرا مثل بلیط بختآزمایی رفتار میکنین؟ کی گفته شانس باید در خونتون رو بزنه؟؟..... این تفکر کهمه رو بریزین دور تو را خدا..... این مسخره بازی که راه انداختین؟؟. چرا نمی خواین واسه آیندتون تصمیم بگیری؟؟..... شما بزرگ شدین مثلاً.....عقل دارین.....کدوم احمقی گفته شما مثل عنکبوت باید بشینین تا آقای خواستگار تشریف بیارن توی تور شما؟؟؟ فکر میکنین چی میشه اگر شما به پسری که فکر میکنین بدردتان میخورد اعلام کنین که من می خواهم با شما ازدواج کنم؟؟ من بهتون میگم... اولاً ممکنه پسره اصلاً به شما فکر نکنه!! اینجوری یهو می افتین تو کانون فکرش. منخس شدیداً روی شما کلید میکنه. اصلاً فکر دری وری هم راجع به شما نمیکنه چون شما با وقار تمام و کاملاً محترمانه درخواست ازدواج کردین.....اینجوری شما با وقار تمام و کاملاً محترمانه درخواست ازدواج کردین..... اینجوری شستش خبردار میشه که : بابا مثل اینکه قضیه جدیه، پس لوس بازی در نیاره. مطمئناً به شما شدیداً فکر میکنه و سبک سنگین میکنه. کف میکنه که چه اعتماد بنفسی داشتین که اومدین و محکم ازش خواستین که باهاش ازدواج کنین... مطمئن باشین که تأثیر مثبتی داره، مگه طرف خیلی کهنه باشه که شما میفهمین چون قاعدتاً به هیچ جا نمی رسین....

دوماً ممکنه پسره به شما فکر میکنه ولی روش نمیشه بیاد جلو و یا اینکه میترسه امکانات کافی نداشته باشه.. اینجوری اولاً تا ۳ شب خوابش نمیره که ای بابا ای ول.... شما عجب خانمی هستید که این اعتماد بنفس رو

- دارین ثانیاً ترسش میریزه چون وقتی شما رو اینچنین مطمئن میبینه که حاضرید در هر شرایطی باهاش باشین معطل نمیکنه. چون نمیخواد چنین جوهری دست کسی دیگه بیفته. قند تو دلش آب میشه که تیرش خورده تو مرکز هدف... چند روز قیافه میگیره که هیبت مردونه‌اش حفظ بشه و بعد عین آب روان ولو میشه تو اتاقتون و اعلام موافقت میکنه.....
- حالت آخر اینکه به هر دلیلی جواب رد میده!... اینجوری دیگه شما اصلاً نگرانی فکری ندارین و معطل نمیشین. وقت و فکرتون رو هم الکی مشغول نمیکنین... بدونین جواب رد اون هم یه دلیل شخصی داشته و دلیلش عدم شایستگی شما نبوده... ولی چیزی از ارزشتون کم نشده و اون هم تا عمر داره از اینکه چنین فرصتی رو از دست داده، از دست خودش شاکی خواهد بود... پس پاشین خودتون رو جمع کنین... محکم باشین... اما نکاتی که باید بدونین...
- ۱- کاملاً مطمئن و با وقار درخواستتون رو مطرح کنین... تمرین کنین و هول نشین، ولی هرچقدر که گند بزنین، ارزش کارتون همونه که بود... چیزی ارزش کم نمیشه... به هر حال همون تاثیر رو میداره...  
 ۲- نگران آبروتون نباشین؛ چون شما برای اینکار طرف رو سالیانه زیر نظر دارین که اگه طرف شارلاتان بود شما تا حالا بهش فکر نمیکردین.  
 ۳- از شکست نترسید، سخته، میدونم، ولی نترسید... پسرها ۵۰۰ جا میرن تا بهشون جواب مثبت بدن.  
 ۴- جواب چه مثبت و چه منفی به کارتون ربطی نداره. فکر نکنین ۲۰۰۰ تا چشم داره نگاهتون میکنه. این افکار مادر بزرگتونه!!!!  
 ۵- اینجوری ضمن حفظ نجابتتون باعث نمیشین پسره از ترسش تحویل نگرفتنش جلو نیاد و شما هم مجبور نیستین برای جلب نظرش کارهای عجیب غریب بکنین!!!!  
 ۶- اینطوری خودتون تکلیفتون رو مشخص میکنین، حال اگه جرئتش رو ندارین، دیگه حق ندارین کسی رو متهم کنین.....

=====

آدرس وبلاگ "سرزمین رویایی" برای علاقمندان:

<http://www.inmyland.blogspot.com/>

**۸- لذت شوهر و یا دوست پسر خود را صدچندان کنیم.**

در باره نقاط حساس در آلت تناسلی زن و مراکز آ و ج. (بقول فرنگیها G. and A. spot) در شماره‌های قبل سه کاف نوشته‌ایم. اما درباره اینکه آیا مردان هم دارای مرکز ج، هستند یا نه چیزی نگفته‌ایم. در این مقاله به چگونگی یافتن مرکز ج، در مردان و چگونگی افزایش لذت آنان خواهیم پرداخت. شما با پیدا کردن مرکز ج، در دوست پسر و یا شوهر خود، لذتی به او خواهید که هرگز فراموش نخواهد کرد اما یادتان باشد، به او یادآوری کنید که با نعره‌های مستانه سکسی خود، در و همسایه‌ها را بیدار نکنند. قبل از هرچیز، یک دوش درست حسابی با هم بگیرید و کون و کیر و کوس هر دوی خود را تمیز بشوئید. حتی اگر قبل از دوش گرفتن به دستشویی بروید و شکم خود را هم خالی کنید که چه بهتر.

فرصت کافی برای هماغوشی خود در نظر بگیرید. و بعد از ناز و نوازشهای اولیه، حسابی که حشری شدید، از او (شوهر و یا دوست پسر خود) بخواهید که روی کمر بخوابد، یک بالش هم زیر باسن او قرار دهید. از او بخواه که هر وقت احساس کرد که آمدن آتش دارد نزدیک میشود، حتما پیشاپیش به تو خبر دهد. شروع کن به نوازش تمام بدنش، یک ماساژ ملایم و چیزی حدود ۵ تا ۱۰ دقیقه، بعد آهسته به کیرش نزدیک میشوی. به کیر او که نزدیک شدی، دستت را چرب میکنی و کمی کیر او را چرب میکنی. بعد درست و حسابی و محکم کیرش را بدست میگیری و آن را ماساژ میدهی (به همان شکل و شیوه‌ای که هر دو خوشتان بیاید- حتما با هم در اینبار صحبت کنید) حالا داری نقش یک فعال در رابطه‌ی هماغوشی بعهدده میگیری و میخواهی شوهر و یا دوست پسر خود را تا انتهای ممکن هیجان و احساس لذت بکشانی. اما برای اینکار همانطور که گفته شد، او باید یک مرآوده مستقیم و مرتب در باره‌ی اینکه چه احساس میکند، با شما داشته باشد. کیرش را که محکم و با تمام دست گرفته‌ای، از ته کیر به بالا، به سمت حرکت عقربه ساعت ماساژ میدهی و می‌آیی بالا تا به سر کیرش برسی. به سر کیر که رسیدی دستت را اینبار در جهت عکس حرکت عقربه ساعت میچرخانی و به پائین، به سمت ته کیر می‌آیی- آرام و ملایم. اینکار را برای مدتی انجام میدهی، سر کیرش هم یادت نرود. هنگامی که با یک دست کیر او را ماساژ میدهی، با دست دیگری هر دو تخم او را هم بدست میگیری و آرام و یواش، تخمهایش را میکشی. کاری که به سفت‌تر شدن کیر او کمک میکند. توجه: بعضی از مردان از حرکتهای تند و سریع و محکم (موقع جلق زدن) و ماساژ کیر خود لذت میبرند و عده‌ای هم برعکس از حرکات آرام و ملایم بیشتر لذت میبرند. این را با هم حل کنید که کدامش را بیشتر می‌پسندید.

وقتی که لحظه آمدن آتش نزدیک میشود، (طبق قرار قبلی باید این را به تو اطلاع دهد)، از ماساژ کیرش دست نگه دار تا یک انفجار درست حسابی برای آخر کار را پایه‌گذاری کنی.

از روی این حالت‌های مرد میتوان فهمید که او دارد به آمدن آتش نزدیک میشود:

- تخمهایش با سمت بالا (رو به بدن) کشیده میشوند (یک نوع عقب نشینی).
- شماره نفسهای او بیشتر و تندتر میشوند.
- سر کیرش از شدت فشار خون سرخی تیره رنگی بخود میگیرد (بسته به رنگ پوست و رنگ کیر طرف).
- در بعضی از مردان، مایع لزج، شفاف و سفید رنگی خارج میشود.

وقتی این حالتها را در او مشاهده کردی، و یا اینکه خودش نزدیک شدن آتش را اعلام میکند، از ماساژ دادن دست میکشی و در عوض دو انگشت دستت را در دو نقطه پوست (پرده نازک) بین فاصله تخمهایش با سوراخ کونش گذاشته و فشار میدهی (انگشت‌هایت از هم فاصله داشته باشند). و با آن دستنی که کیرش را گرفته‌ای کیرش را هم نه ماساژ بلکه فشار میدهی. (فشارهای هر دو دستت همزمان باشند). این حرکت همزمان دستهای تو باعث عقب انداختن آب او میشود. وقتی که هر دوی شما حس کردید که "آب از آسیاب افتاده"، همان عملیات چرب کردن و ماساژ دادن کیرش را از سر میگیری. اینکار یعنی رساندن او به سر چشمه آب و برگشت دادنش را بسته به سلیقه خود تا چند بار میتوانید تکرار کنید، اما تازه اول کار است، همه اینها فقط پیش غذا بوده.

حالا وقتی که او حسابی دارد لذت میبرد و رام شده، اینبار هر دو دست خود را چرب میکنی. یکی از دستهایت را دوباره به جان کیرش می اندازی و بعد از چند بار بالا و پائین رفتن، دست دیگری را به سوراخ کونش نزدیک کرده، اطراف سوراخ او را ماساژ ملایمی میدهی و یواش و با حوصله، یکی از انگشتان خود را خیلی ظریف وارد کونش میکنی. (اگر ماهیچه‌های داخلی کونش با سفت شدن، واکنش نشان دادند، انگشت خود را همانجا بدون حرکت نگه دار اما بیرون نکش. (توجه داشته باش که همه این عملیات را در حالی انجام میدهی که آن یکی دستت کیرش را هم بشکل سابق ماساژ میدهد). (اگر میخواهید خیلی بهداشتی باشید، میتوان دستکشهای پلاستیکی را از داروخانه خرید و در اینگونه مواقع از آنها استفاده کرد)

بعد از مدت کوتاهی، ماهیچه‌های داخلی او ملین میشوند. انگشت خود را باز هم ملایم، بیشتر در کونش فرو کرده و شروع به نوازش او از درون میکنی. برای اینکه او بتواند لذت این ماساژ داخلی را بهتر حس کند، از ماساژ دادن کیر او دست بردار و خود را فقط روی کون او متمرکز کن. این احتمال وجود دارد که کیرش از حالت سفت و شق بودن بیفتد، اما هیچ مهم نیست. وقتی که انگشت خود را حدود ۲-۳ سانتیمتر وارد کونش کرده‌ای، ماساژ داخلی را شروع میکنی. مرد در چنین مواقعی این احساس را دارد که از "درون" لذت میبرد. حالا انگشت خود را از درون به سمت بالا (رو به ناف او) برگردان تا اندازه‌ای که به یک دیواره (یا مانع یا سفتی) میل میوه شاه بلوط میرسی. این همان پرستات مرد است. همان مرکز ج. و تو به مقصد رسیده‌ای. درست همانطور که میخواهی او با انواع حرکات و ماهرانه چوچوله تو را نوازش و تحریک کند، حالا تو هم پرستات او را تحریک و نوازش میکنی. به آن فشار بده، انگشت خود را بالا و پائین ببر، سر انگشت خود را روی آن گذاشته، و تکان بده. ازش بپرس که چه احساسی دارد. حالا که در مرکز ج. او هستی، ضمن ادامه حرکات "داخلی" خودت و تحریک پرستات او، دست دیگری را به همان شکل قبلی به جان کیرش بینداز و برایش به شکل سابق جلق بزن. اگر باز هم میخواهی او را به التماس بیندازی، چند بار قبل از آمدن آتش، حرکات خود را متوقف کن و دوباره آنها را از سر بگیر. نوازش و تحریک همزمان پرستات و کیر مرد، دو نوع لذت متفاوت را با هم ترکیب میکند و شدت حشری شدن و لذت بردن را شدیداً افزایش میدهد.

اینکار یک اثر بسیار خوب دیگری هم دارد و آن آنکه، شوهر و یا دوست پسر شما، به درک بهتری از زن بودن و دخول چیزی به اندرون زن، دست می‌یابد و به درک و فهم او از زن و زنانگی کمک بسیار میکند. در عین حال شما بعنوان یک زن هم، فاعل بودن و دخول در دیگری را تجربه میکنید و درک بهتری از مردان بدست خواهید آورد.

در پایان ذکر چند نکته خالی از فایده نیست:

- بهترین روش برای انجام عملیات فوق این است که مرد روی کمر خوابیده، کف پاهایش را روی تشک، یا زمین گذاشته و پاهایش را خم کند.
- حواستان باشد که برای انجام اینکار، قبل از آن باید ناخنهای خود را کوتاه باشید.
- بعضی از مردان، در دفعات اولیه ماساژ پرستات، لذت چندانی احساس نمی‌کنند و یا حتی ممکن است

اینکار برایشان چندش آور هم باشد، بخصوص برای بعضی از مردان ایرانی که هنوز تو حال و هوای گذشته‌ها هستند، اما اگر بتوانند ذهن خود را از تعلیمات گذشته پاک کنند و واقعا بخواهند لذت تازه‌ای را تجربه نمایند، بعد از چند بار تکرار، از این عمل لذت فراوانی میبرند. اما این را هم بدانیم که یکسری از مردان، واقعا و صادقانه از این کار لذت نمی‌برند و دیگر کاری نمی‌توان کرد. - این‌گونه لذت دادن به مردان با مسئله همجنس‌گرایی فرق دارد. همجنس‌گراها از هر جهت و نظر، روحی، روانی، عاطفی، سکسی و... به جنس موافق گرایش دارند.

## ۹- پاسخ به سئوالات جنسی خوانندگان

**سؤال ۱:** ارگاسم را برایم شرح دهید و نشانی اینکه وقتی زنی به ارگاسم می‌رسد، چیست؟ و از کجا مرد متوجه این حالت در زن می‌شود؟

**جواب:** اوج لذت یک مرد، با آمدن آب و خارج شدن منی همراه می‌باشد که چگونگی این عمل و کنش و واکنش بدنی هر مرد با دیگری هم متفاوت است. در زنان، هنگام ارگاسم آب منی خارج نمی‌شود اما ارگاسم اوج لذت جنسی زن است و در آن هنگام ترشحات واژن زن هم به اوج خودش میرسد. متأسفانه با توجه به اینکه خیلی از مردان، بیشتر به خود فکر میکنند، دوست دارند که خیلی سریع آبشان بیاید و به زن یا دوست دختر خود فرصت کافی برای رسیدن به ارگاسم نمی‌دهند، چون زنان برای رسیدن به ارگاسم به وقت بیشتری نیاز دارند (به مطلب "راه ابریشم زنانه" در سه کاف ۱۸ مراجعه شود). هنگام ارگاسم، زنان مختلف، واکنشهای مختلفی نشان میدهند. در بعضی، نوعی "تنش" و سفت و شل شدن عضلات دیده میشود، بعضی‌ها حتی از شدت هیجان و خوشی به گریه می‌افتند، بعضی‌ها جیغ میکشند و.....

مهمترین مسئله این است که دو نفر بتوانند در کمال صداقت با هم حرف بزنند و باید آنچنان فضائی از تفاهم بین آندو باشد که زن بتواند رسیدن و یا نرسیدن خود به ارگاسم را بیان کند و با کمک همدیگر بکوشند که در دفعات بعدی با هم به ارگاسم برسند.

**سؤال ۲:** من دختری هستم که یکی از سینه‌هایم (پستانم) از دیگری بزرگتر است. آیا همهٔ زنان و دختران اینطور هستند، یا مال من اشکال دارد؟

**جواب:** هم اندازه نبودن پستانها در زنان و دختران زیادی دیده میشود همانطور که اندازه دو تخم در مردها و پسران هم میتواند یکسان نباشد. اما اگر از اختلاف اندازه دو پستان خود راضی نیستید، امکان کوچکترو یا بزرگتر کردن سینه زنان با عمل جراحی پلاستیکی ممکن است.

**سؤال ۳:** دوست پسر من دوست دارد که به کس من دست بزند و ببیندش، اما من نمی‌گذارم، چون کس‌ام مو داره و این باعث میشه که نگذارم به آتم دست بزنه و یا آن را ببینه. به من بگوئید چکار کنم؟

**جواب:** ویژگی بدن هر کسی با دیگری تفاوت دارد و این به هیچ وجه یک نقض یا عیب محسوب نمی‌شود. نباید به خاطر این مسائل خودتان را از سکس محروم کنید و مطمئن باشید که زنان و دختران بسیاری مثل شما هستند و مهمتر از همه اینکه دوست پسران اگر شما را دوست دارد، مسلماً همه جای شما دوست دارد، به هر شکلی که باشد. پس اعتماد به نفس داشته باشید. اما مهمترین مسئله این است که در نزدیکی جنسی، مسئله بیماریهای مقاربتی را در نظر بگیریم و از کاندوم استفاده کنیم.

**سؤال ۴:** پسری هستم ۲۰ ساله، اهل کرمان، ولی تا حالا با دختری رابطه نداشته‌ام. خیلی دلم میخواهد که یک دختر عاشقم بشه، ولی نمیدونم چکار کنم. اصلاً نمیتونم توی خیابون یا یک جایی با یک دختر حرف بزنم. اگه بشه یه راهنمایی بکنید.

**جواب:** دوست عزیز، شما باید قبل از هر چیز بر کمروئی خود غلبه کنید. البته با توجه به سن شما، این مسئله طبیعی است، ولی باید بتدریج آنرا برطرف کنید. حتماً مقاله "بر کمروئی غلبه کنیم" در شماره ۱۳ سه کاف را مطالعه کنید. در پایان چند نکته را یادآوری کنیم:

- ۱- در برخورد با یک دختر اگر واقعا قصد دوستی دارید، مصمم و با اعتماد به نفس باشید. بسیاری از دخترها از پسرهای با اراده و متکی به نفس خیلی خوششان می‌آید.
- ۲- قدر موقعیت‌ها را بدانید و شانس خود را در سر صحبت باز کردن با دیگران، در اتوبوس، تاکسی، و خیابان، مغازه و.... از دست ندهید.
- ۳- از تحمیل خود به دیگران اکیداً خودداری کنید. و حریم افراد را محترم شمارید.

**سؤال ۵:** من در حال حاضر دانشجوی هستم. ضمناً یک ورزشکار حرفه‌ای هم هستم، اما مشکل من سکس با یک دختر است. در واقع با وجود اینکه دخترها خیلی راحت با من گپ میزنند اما تا حالا سکس نداشته‌ام، نمیدونم چرا؟ اما ظاهراً اونا دوست دارند با من حرف بزنند. در هر حال این احساس سکس زندگی‌ام را بهم ریخته. به من بگوئید چکار کنم. در ضمن بخاطر رعایت بیمار نشدن تا بحال نخواسته‌ام زنا کنم.

**جواب:** دوست عزیز، این مسئله به احتمالی نتیجه رابطه و نوع رفتار شما با دختران میباشد، باید آن را تغییر دهید. با یکی از همان دخترهایی که گپ میزنید، یک قرار ملاقات ترتیب دهید و همینطور در برخوردهای خود گرم و احساسی باشید طوری که اطرافیان متوجه شوند. یادتان نرود که سکس دختران با پسران فرق دارد و خیلی از دختران میخواهند اول طرف را بشناسند، خصوصیات و اخلاق و رفتار او را بدانند و.... و بعد از اینهاست که به علائم نیازهای جنسی طرف، علاقه نشان میدهند. یعنی به طرف باید فرصت داد.

**سؤال ۶:** آیا ممکن است در باره نحوه کار پزشک قانونی توضیح دهید و اینکه ممکن است

چه چیزهایی را در یک فرد متوجه بشه؟

**جواب:** به سؤال شما میتوان یک جواب خیلی طولانی داد، اما ظاهراً منظور شما (با توجه به توضیحی که در نامه داده‌اید)، بیشتر مسئله پرده بکارت شما بوده است. بله، پزشکی قانونی میتواند تشخیص دهد که آیا دختری پرده بکارت دارد یا نه، همینطور اگر کسی سکس داشته و بعدش به پزشک مراجعه کند، میتوان وجود اسپرم در درون شما را هم تشخیص داد.

**سؤال ۷:** من وقتی توی حمام میروم، آب را با فشار به درون کس ام می‌فرستم که اینکار باعث لذت فراوانی می‌شود. من شنیده‌ام که اینکار باعث میشه که آدم بچه‌دار نشه. میشه بگین چه کارهایی ممکنه از بچه‌دار شدن جلوگیری کند؟

**جواب:** استفاده از دوش و فشار آب در حمام برای تحریک جنسی، در بین دختران رایج است، همانطور که بعضی از پسران هم با گرفتن دوش روی آلت خود، آن را تحریک میکنند. اگر شما سکس بدون کاندوم داشته‌اید و آب منی دوست و یا همسرتان وارد واژن شما شده، استفاده از آب دوش برای تحریک آلت تناسلی و با سار آب را به درون فستادن، میتواند رسیدن اسپرم بوسیله ترشحات واژن به دهانه رحم و امکان آبستن شدن را تسهیل کند. روشهای زیر برای جلوگیری از حامله‌گی مؤثرند:

۱- استفاده از کاندوم هنگام سکس ۲- مقاربت ناقص یا جماع گسیخته ۳- دیافراگم پلاستیکی ۴- قرصهای ضد بارداری ۵- ژله و کرمهای اسپرم کش ۶- روش آی یو دی ۷- مقاربت در دوره مطمئن با استفاده از تاریخ دقیق تخمک‌گذاری ۸- عقیم سازی (بستن لوله‌ها).  
اما استفاده از کاندوم نه تنها از بارداری جلوگیری میکند بلکه خود را هم از خطر ایدز حفظ میکنید.

**سؤال ۸:** آیا راهی وجود دارد که آدم بفهمه که آیا پرده بکارت داره یا نه؟ و همینطور وقتی پرده پاره میشه، چه اتفاقی می‌افتد؟

**جواب:** پرده بکارت از دو ورقه مخاطی مرکب است که بین آنها نسج همبندی دیده میشود که دارای الیاف الاستیک است و در بین نسج همبندی عروق و عصب‌هایی دیده میشود. وجود همین عصب‌ها باعث میشود که با لمس و فشار دقیق در محل احساس شود. پاره شدن پرده بکارت در اغلب دختران با درد و خونریزی همراه است، این درد قابل تحمل و همراه با سوزش سوزن سوزن است.

**سؤال ۹:** آیا ممکنه به من بگوئید که زن و دخترها چطوری استمنا میکنند؟ (جلق می‌زنند) و آیا وقتی که زنها به ارگاسم می‌رسند، مثل مردها منی از آنها خارج می‌شود؟

**جواب:** استمنا در زنان مشابه با مردان است، یعنی با تحریک نقاط حساس جنسی در بدن صورت می‌گیرد. که سه منطقه اصلی جنسی و نحوه تحریک بصورت زیر است:



- ۱- مالش پستانها و مخصوصا نوک آنها
- ۲- مالش و تحریک کلیتوریس ( چوچوله) با حرکت انگشتان یا ویراتور ( درحالت پیشرفته)
- ۳- تحریک مهبل با داخل نمودن انگشت یا انگشتان و یا یک جسم خارجی در واژن و تقلید عمل جماع. ضمنا واژن در زمان سکس ترشحات مهبل ترشح میکند که مجرا را لزج و حرکت منی مرد را تسهیل میکند. ترشحات واژن زنان فاقد هرگونه اسپرم میباشد.

**سؤال ۱۰:** من سه بار با پسری از جلو سکس داشته‌ام اما هیچوقت خون نیامده. چرا؟ قبل از این هم هیچوقت از جلو با کسی سکس نداشته‌ام.

**جواب:** در بعضی از دختران پاره شدن پرده بکارت بدون درد و خونریزی است، بنابراین مراجعه به پزشک و معاینه مطمئن‌ترین راه است.

**سؤال ۱۱:** من دختری هستم و با دوست پسرم از عقب (کون) سکس داریم، اما او دوست ندارد که از کاندوم استفاده کند، آیا این کار خطرناک است؟

**جواب:** سؤال بسیار خوب و جالبی مطرح کرده‌اید. متأسفانه بعزت فرهنگ اجتماعی و اهمیت داشتن باکره‌گی دختران در شب اول زفاف، بسیاری از جوانان ما از راه کون سکس دارند. آنهایی که از اینکار لذت می‌برند، را کار نداریم، اما خیلی از زنان و دختران دوست ندارند که از عقب (از راه کون) سکس داشته باشند اما با توجه به شرایط به ناچاری تن به اینکار میدهند. ما در آینده به این مسئله خواهیم پرداخت، اما در همینجا، در پاسخ سؤال شما بگوئیم که این دوست شما، متأسفانه نه تنها زندگی خودش، بلکه زندگی شما را هم به خطر می‌اندازد. امکان انتقال ویروس ایدز در سکس بدون کاندوم تقریباً حتمی است. شما از کجا میدانید که این شریک و دوست شما با چه کسانی سکس داشته؟ اینکه طرف قیافه‌اش خوب است و یا من به او اعتماد دارم، اصلاً کافی نیست. اندرز ما به شما و همه‌سها کافی‌ها این است که به مسئولیت خود در پیشگیری از بیماریهای مقاربتی و انتشار ایدز در جامعه جلوگیری کنید و در سکس خود کاندوم را هیچوقت فراموش نکنید. استفاده از کاندوم مختص عمل کون کردن نیست، برای کیر خوردن، و سکس از جلو هم باید از کاندوم استفاده کرد. اگر به کاندوم عادت ندارید، سعی کنید یاد بگیرید. مقاله "با خطر ایدز آشنا شویم" در سه کاف ۱۷ را حتماً بخوانید.

**سؤال ۱۲:** از بعضی از دختران موقع ارگاسم خیلی زیاد آب می‌آید، آیا این منی است یا فقط ترشحات زیاد واژن؟

**جواب:** از زنان اسپرم و منی خارج نمی‌شود. این همان ترشحات واژن است که در افراد مختلف کم و یا زیاد میباشد.

**سؤال ۱۳:** از آلت من یک چیزی ترشح میشود و آنهم خیلی زیاد، مثلا وقتی دارم با دختری حرف میزنم یا حتی وقتی تو چات رووم (گپ-خونه) با دختری حرف میزنم، شرمم پر از آب میشه. این ترشحات در واقع یک شیره است به رنگ آب و هی می آد و بیشتر وقتها، وقتی به دستشوئی میروم و مثلا زور میزنم، باز همین مایع شیره ای سفید رنگ از آلتم خارج میشه. گاهی که این مایع بمقدار زیادی ازم خارج میشه، کمر درد میگیرم. اینو بگم که آخرین بار، سه ماه پیش بود که جلق زدم. لطفا راهنمایی کنید.

**جواب:** گاهی اوقات، وقتی کسی برای مدتی انزال نداشته و خیلی حشری باشد، ممکن است یک مقدار مایع لزج و آنهم خیلی کم، از آلت طرف خارج شود، اما در رابطه با شرایطی که شما گفته اید، بهتر است که به یک پزشک مراجعه کنید، چون ممکن است این امر از پرستات شما باشد.

**سؤال ۱۴:** شکل و ظاهر من زنانه است و من یک دختر هستم، اما در درون خودم، احساس میکنم که مرد هستم و تو یک بدن اشتباهی متولد شده ام. و خیلی دوست دارم که با یک زن یا دختر هم ازدواج کنم (چون به سکس با مردان اصلا فکر نمیکنم و میدانم که لذتی هم برای من ندارد- اصلا به مردها و پسرها کشش جنسی ندارم). چگونه میتوانم تغییر جنسیت بدهم؟ کجا بروم؟ مراحل تغییر جنسیت چیست؟ لطفا تا آنجا که اطلاع دارید، توضیح دهید.

**جواب:** شما در داشتن چنین احساس و حالتی تنها نیستید. در هر اجتماعی افرادی مثل شما زندگی میکنند. تغییر جنسیت در ایران قانونی است. اگر مصمم به تغییر جنسیت هستید، آنگونه که من میدانم باید مراحل زیر را طی کنید؛ مراجعه به یک پزشک یا روانپزشک و طرح مسئل با ایشان، که شما را به پزشکی قانونی معرفی کند. در پزشکی قانونی، پس از طی مراحل قانونی، یعنی انجام یکسری معاینات و آزمایشات لازم توسط پزشکان معتمد پزشکی قانونی و دریافت مجوز لازم، عمل جراحی همزمان توسط دو پزشک اروولوژ و زنان انجام میگیرد.

**سؤال ۱۵:** من ۳۰ سال دارم و متاهل هستم و همسرم هم جوان است و هم زیبا، ولی من عاشق زنهای مسن هستم، ولی نمیخواهم اینطوری باشد، چون همسرم را دوست دارم.

**جواب:** کسانی که از نظر جنسی، احساسی و عاطفی به افراد مسن تر از خود گرایش دارند، فراوان هستند. این مسئله هم در بین زنان دیده میشود و هم در بین مردان. این یک احساس غیر طبیعی نیست و میتواند از نوع رابطه ای که فرد در کودکی با پدر و یا مادر خود داشته نشات گرفته و تاثیراتی بر ذائقه جنسی او در سالهای بعد داشته باشد. (البته این یک فقط یک نظریه است). اینکه شما باید چکار کنید، به انتخاب و تصمیم خود شما برمیگردد. در ضمن در اینترنت یکسری سایت های مخصوص زنان مسن و علاقمندان به آنها هم وجود دارد. اگر میخواهید

به آنها سر بزنیید بدنبال ( Mature ( Old women) بگردید.

**سؤال ۱۶:** کیر من کج است، چکار کنم؟ آیا راه حلی برای اینکار وجود دارد؟  
**جواب:** کیر اکثریت بزرگی از مردان و پسران کج است و این انحنای هم بیشتر به سمت چپ میباشد. و در تعداد کمتری هم به سمت راست. اما افرادی که کیر کج نداشته باشند هم فراوان هستند. اما اگر فکر میکنید که کجی کیر شما، خیلی زیاد است، طوری که دخول را مشکل میکند و باعث ناراحتی شما گردیده، میتوانید با یک پزشک در باره انجام عمل جراحی مشاوره کنید.

**سؤال ۱۷:** من و دوست دخترم بدون کاندوم از عقب سکس داشته‌ایم و آبم را توی کونش ریختم و حالا هر دوی ما نگران ایدز هستیم، به ما بگوئید چه کنیم؟

**جواب:** دوست عزیز، برای رفع نگرانی خود، میتوانید با مراجعه به پزشک، و دادن آزمایش خون متوجه شوید که آیا حامل ویروس اچ.آی.وی هستید یا نه. بهتر است در آینده کاندوم را فراموش نکنید.

**سؤال ۱۸:** هر کاری میکنم نمی‌توانم دوست دخترم را راضی کنم که با من سکس داشته باشد و تا حالا هر کاری کرده‌ام فایده نداشته، هر چی هم می‌مالم، تاثیری ندارد، عینهو سیب زمینی. حتی به من میگه برای سکس یکی دیگه رو پیدا کنم. لطفا منو راهنمایی کنید.

**جواب:** دوست عزیز، اگر دختری شما را بعنوان یک دوست انتخاب کرد، دلیلی نمی‌شود که طرف حتما باید دوست سکس شما باشد. این هم از آن نوع قضاوت و بینش ما ایرانیها است که اگر دختری با ما خندید و یا دوست ما شد، حتما باید طرف را بکنیم، نه اصلا اینطور نیست. انسانهای امروزی و با فرهنگ میتوانند سالهای سال با هم دوست باشند، بدون آنکه از نظر سکسی رابطه‌ای با هم داشته باشند. از آن گذشته ممکن است طرف از نظر سکسی به شما علاقه نداشته باشد، ولی بعنوان یک دوست، شما را واقعا دوست داشته باشد، ممکن است برای سکس آمادگی نداشته باشد و دهها مسئله دیگر. به حد و مرز این دوست خود احترام بگذارید و ارزش دوستی خالص او را بدانید و برای سکس اصلا به او فشار وارد نکنید.

**سؤال ۱۹:** وقتی می‌خواهم دوست دخترم را از راه کون بکنم، درد شدیدی میکشد، پس چرا در فیلمهای سکسی، براحتی تو کون زنها میکنند؟

**جواب:** تو فیلمهای سکسی زنان و مردانی هستند که سکس را حرفه خود میدانند و کلی در اینباره آموزش دیده و تمرین کرده‌اند. این فیلمها برای فروش و پول در آوردن ساخته شده‌اند. دلیلی نمی‌شود که هرزنی حتما باید از سکس از راه کون لذت ببرد. از طرف دیگر این به اندازه کیر

شما، آمادگی کون طرف قبل از دخول ، استفاده از مایعات مخصوص برای آسان کردن دخول ، نرم و ملین شدن ماهیچه‌های کون طرف و خیلی عوامل دیگر بستگی دارد.

**سؤال ۲۰ :** آیا لیسیدن کون طرف لذت یکطرفه به همراه دارد یا لذت دو طرفه است؟

**جواب:** بستگی به افراد دارد. بعضی‌ها از اینکه کونشان را بلیسی، تو عرش میرن و بعضی‌ها هم از اینکار خوششان نمی‌آید. مهم آنکه، دو طرف در مورد یافتن نقاط حساس بدن خود و اینکه از چه چیزی خوششان می‌آید، بتوانند با هم حرف بزنند.

**سؤال ۲۱ :** من با دختری دوست هستم و متوجه شده‌ام که پرده بکارت ندارد. خودش میگوید در بچگی با یک سوسیسی پاره کرده. میخواستم پرسیم چطور می‌تونم به این حرفش اطمینان کنم؟ چون قصد ازدواج با او را دارم.

**جواب:** دوست عزیز، باید بگوئیم که شما هم گویا - متأسفانه- مثل نسلهای گذشته و بقول معروف مثل کلثوم ننه‌ها فکر میکنید که اینقدر به پرده بکارت بها میدهید. رسم باکره بودن دختر در شب اول عروسی یک رسم عقب‌مانده قبیله‌ای است که فقط در جوامع جهان سومی مذهبی مثل ایران خودمان هنوز پابرجا است. سعی کنید اینگونه تفکرات را دور بیندازید. مهم این است که شما دو نفر همدیگر را دوست داشته باشید و با هم به تفاهم برسید. مگر شما قبل از آشنائی با این دوستان سکس نداشته‌اید؟ اگر نداشته‌اید راستش را بگوئید، فرصتی برایتان پیش نیامده یا اینکه خود را میخواسته‌اید "باکره" نگه دارید؟ چرا

دختران قبل از ازدواج نباید سکس داشته باشند؟ اما پسران میتوانند کونشان را تو هر سوراخی که گیر آوردند، فرو کنند و کسی هم نگوید بالای چشمشان ابرو؟؟؟؟ ما نمیگوئیم که این دوست شما راست میگوید و یا دروغ، اما در " بدترین حالت " فرض کنیم که با کسی سکس داشته، مگه کجای اینکار عیب است؟ اگر شما یک سه کافی هستید، باید برای آزادی جنسی در جامعه و حقوق برابر پسران و دختران تلاش کنید نه اینکه خود، همان افکار سرکوب کننده را حمل کنید. وقتی پسران و مردان درباره دختران و اهمیت باکره بودن آنها اینقدر افکار عقب‌مانده داشته باشند، خوب صد البته دختران هم احساس خود را سرکوب میکنند و به پسران پانمی‌دهند، بعدش نگوئید دختر از کجا پیدا کنیم. از آن گذشته چنین تفکری باعث میشود که اگر ما دختری را پیدا کردیم، حتما فکر کنیم یارو خل هستش ، پا می‌ده که اونو بکنی اما " من با چنین دختری که میره کس می‌ده-ازدواج نمیکنم " و از این چرندیات کهنه و قدیمی. اضافه کنیم که امکان پاره شدن پرده بکارت دختران در یکسری حرکات و ورزشها مثل پرش، اسب سواری و امثال اینها هم هست. پس افکار خود را مشغول پرده دار بودن یا نبودن شریک زندگی آینده خود نکنید، مسائل مهمتری هستند که باید به آنها اندیشید.-موفق باشید.

